



نقش سیاسی نظامی کردها در دوران

نادرشاه

مؤلف:

علی حیاتی



نشر راشدین
Rashedin Publication

سرشناسه : حیاتی، علی، ۱۳۴۹ -
 عنوان و نام : نقش سیاسی نظامی کردها در دوران نادرشاه/ مولف علی حیاتی.
 پدیدآور : تهران : راشدین، ۱۳۹۳.
 مشخصات نشر : ۱۵۵ص.
 مشخصات ظاهری : شابک : 978-600-7233-69-6
 وضعیت فهرست : فیفا
 نویسی :
 موضوع : کردان -- ایران -- تاریخ
 موضوع : ایران -- تاریخ -- افشاریان، ۱۱۴۸ - ۱۲۱۸ق.
 رده بندی گنجره : DSR ۲۰۴/ک ۱۳۹۳۴ ح ۹
 رده بندی دیویی : ۹۸۴/۹۵۵
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۴۸۰۱۸۶



ناشر راشدین

■ انتشارات راشدین

■ نقش سیاسی نظامی کردها در دوران نادرشاه

■ عنوان کتاب:

■ علی حیاتی

■ مولف:

■ راهب عارفی

■ نظارت کیفی:

■ محمد معین عارفی

■ نظارت فنی:

■ افسانه حسن بیگی

■ صفحه‌آرا و طراح جلد:

■ طرح امروز

■ چاپ و صحافی:

■ اول-۱۳۹۳

■ نوبت چاپ:

■ ۱۰۰۰

■ شمارگان:

■ ۶۹-۷۲۳۳-۶۰۰-۹۷۸

■ شابک:

■ ۱۰۰۰۰۰ ریال

■ قیمت:

■ میدان انقلاب - کارگر شمالی - کوچه رستم - پ ۲۰ - واحد ۷

■ نشانی:

■ ۶۶۴۹۲۶۹۴ - ۶۶۴۰۸۲۲۴

■ تلفن / نمابر:

■ www.rashedin.com

■ پایگاه اینترنتی:

■ Email: rashed1829@yahoo.Com

■ پست الکترونیک:

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

.....	سخنی درباره این پژوهش	۵
.....	مقدمه	۱۳
.....	فصل اول: وضعیت کرمانجها در خراسان	۱۹
.....	ظهور نادر در خراسان	۳۲
.....	همراهی اکراد با نادر در جنگ با ملک محمود	۳۳
.....	ورود طهماسب دوم به خراسان و قتل عام اکراد	۴۱
.....	رقابت نادر و طهماسب دوم برای وصلت با خاندان سام بیگ	۴۳
.....	نبرد اکراد قراچورلو و شادلو با نادر	۴۷
.....	فصل دوم: آغاز همکاری اکراد با نادر برای بیرون راندن افغانان از ایران	۵۱
.....	نقش اکراد خراسان در بیرون راندن ترکان عثمانی از ایران	۶۰
.....	سرداران کرد خراسان و فتح هرات	۶۲
.....	نقش اکراد کرمانج خراسان در دوره دوم جنگهای ایران و عثمانی	۶۵
.....	فصل سوم: حضور سران کرد در مراسم تاجگذاری نادر	۷۳
.....	حماسه اکراد و فتح دهلی	۷۵
.....	تسخیر ماوراءالنهر و خوارزم	۸۱
.....	نبردهای داغستان و فداکاری اکراد کرمانج	۸۵
.....	شورش اکراد دنبلی و درگیری مرتضی قلی خان با سپاهیان نادر	۸۸
.....	ادامه شورشها و سرکوب آنها	۹۰
.....	فصل چهارم: وضعیت اکراد غرب ایران	۹۷
.....	امرای اردلان در عهد نادرشاه «افشار»	۱۰۲
.....	احمد خان اردلان و سرانجام وی	۱۰۶
.....	سرانجام سبحان وردیخان حاکم کردستان	۱۰۹
.....	حکمرانان جناب جوانرود	۱۱۰

۱۱۳	فصل پنجم: اوضاع سیاسی - نظامی اکراد کرمانشاهان
۱۱۳	از سقوط اصفهان تا مرگ نادر (۱۱۶۰ - ۱۱۳۵ ه‍.ق)
۱۲۵	«گوران در خدمت نادر»
۱۲۸	طایفه قلخانی
۱۳۰	ایل زنگنه
۱۳۲	همکاری اکراد با نادر در دفع فتنه
۱۳۲	احمد پاشای باجلان
۱۳۵	عبدالباقی خان زنگنه، سفیر نادرشاه در عثمانی
۱۳۷	اوضاع سیاسی نظامی کرمانشاهان (۱۶۱ - ۱۱۶۰ ه‍.ق)
۱۴۰	حسین خان حاج زنگنه
۱۴۲	نتیجه
۱۵۱	کتابنامه

یکی از شعبات مشهور نژاد آرایی که محققان را در آرایایی بودن آنها شکی نیست، کردن هستند که از زمانهای باستان، تামشان مذکور است؛ ولی به نظر نمی آید که تا به حل کسانی که راجع به مسائل تاریخی این قوم مطالبی نوشته اند، بی غرضانه و بدون اعمال نظر و علائق فردی به انجام این کار مبادرت کرده باشند.

کرد یکی از شاخه های درخت کهنسال برومند نژاد آرایی است که همواره در نقاط مختلف ایران از آن با احترام یاد می شود و پیوندهایی محکم، او را به سایر شاخه های این درخت مربوط ساخته است.

در این میان در برهه هایی از تاریخ، قوم کرد، اطاعت نکردن از زمامداران جابر را فریضه خود شناخته و در برابر آنان از خود واکنش سختی نشان داده اند، ولی واکنش آنان که گاهی به صورت قیام جلوه گر گردیده است، محدود به حدود معین و به منظور مقصود مشخصی صورت گرفته است و هرگز عصیان آنها نسبت به قوم، نژاد، ملت و سرزمین خود نبوده است که بتوان آنرا دلیل افتراق نامید؛ به عکس، وفاداری کردها نسبت به سایر اقوام ساکن در فلات ایران اگر بیشتر نباشد، کمتر هم نخواهد بود، و اگر با این دید به تاریخ کرد توجه نمائیم متوجه خواهیم شد که آنچه وجود دارد، عظمت و شوکت می باشد که به صورت عظمت و استواری ایران زمین در اعصار و قرون متمادی نمایان گردیده است.

بعد از فتح ایران و سقوط ساسانیان و حتی قبل از آن، کردها همواره بعنوان یک نیروی قدرتمند در برابر تجاوزات بیگانگان به خاک مقدس ایران زمین قرار داشته است، و خوار چشم متجاوزین بوده است.

از منابع مختلف چنین استفاده می شود که حتی با قدرت یابی امویان و تسلط آنان بر سرزمینهای مسلمان نشین و به خصوص ایران، اگراد در برابر ظلمها و بیدادگریهای آنان

موضع گرفته و علیه آن به مقاومت دست زده اند که بهترین نمونه های آنرا می توان در مخالفت با حجاج بن یوسف ثقفی در سال ۸۳ هـ ق جستجو کرد؛^۱ که اکراد برای تضعیف هر چه بیشتر وی، محمد بن اشعث را یاری کردند و یا در منابع معتبر تاریخی دیگر از وضعیت وخیم اکراد در عهد عباسیان نام برده شده و از ابومسلم خراسانی که حکومت اموی را یا شکست دان مروان بن حمار از میان برد و باعث ایجاد سلسله عباسی گردید بعنوان کرد یاد کرده اند.^۲

تنها نقش اکراد به صورت حامیان حکومت ها و یا وسیله قرار گرفتن دیگران برای رسیدن به قدرت منحصر نمی شود، بلکه این قوم نستوه وفادار به آب و خاک، در زمانهایی نیز به تشکیل حکومت اقدام کرده است. خاندان و هسودان در آذربایجان و حسویه در کرمانشاهان خود حکومتهایی را تشکیل داده و فرمانروایی می کردند،^۳ که سلسله حسویه توسط حسویه بن الحسین موسی در زمان حسن رکن الدوله مقرر خود را در «سرماج» نزدیک بیستون مسفر کرد. اکراد در این ادوار با مصیبتهایی نیز مواجه گردیدند که از همه دردناکتر هجوم غزها (۴۰۷ هـ ق) به ریاست کوکناش بوقا و فاصغلی بود که با هجوم به مراغه و آبادیهای اطراف رعایای کرد تابع و هسودان را کشته و اموالشان را غارت کرده یا به آتش کشیدند؛ هر چند اکراد در برابر آنها مقاومت کرده و آنها را فرار دادند ولی تلفات وارده بر قوم کرد بسیار شدید و دردناک بود.^۴ اینان در عهد سلاجقه نیز توانایی خویش را با وارد آوردن ضربات مهلکی بر آنان نشان داده و در این راه نیز صدمات فراوانی از آنان نیز پذیرا شدند، که غارت و ویرانی شهر زور، دقوقا و پایان در سال ۵۳۵ هـ ق خود دلیل بر این مدعا می باشد.

۱ - شمس الدین ابن خلکان و فیات العیان جلد اول چاپ دوم، مصر، ۱۸۰۷ م صص ۳۶۹-۳۷

۲ - عزالدین ابوالحسن علی بن محمد (ابن اثیر)، الکامل فی تاریخ جلد ۳ ج سوم، مصر، ص ۳۰۹.

۳ - ابن اثیر، همان، ج ۸، ص ۱۹۰.

۴ - رشید یاسمی، کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او، چاپ سوم، تهران، ابن سینا، بیتا، ص ۱۸۰.

ولی اینان در موقع خود نیز به کمک سلاطین سلجوقی رفته و آنها را در برابر دشمنان تقویت نموده اند مانند کمک سپاه تابع « احمد یل بن و هسودان » که در لشکر کشی محمد بن ملکشاه به روم کمک کردند و قبل از آن هم پدرش ملکشاه را یاری کرده بودند. یک لشکر از نیروهای خود را برای مبارزه به نفع ملکشاه با عمویش قاورد در سال ۴۷۱ هـ.ق تجهیز و در اختیار ملکشاه قرار داده بودند.^۱ اما با این اوصاف عنصر کرد در این زمان زیر دست و فرماندار ترک بوده است که مصائب ناگواری را برای سرزمینها کرد شین بخصوص کردستان در چلی داشته است؛ اما ناگفته نماند که برای اولین بار لفظ کرد و کردستان به صورت رسمی در عهد سلاجقه در دیوانها و دفاتر ثبتی نوشته شد.^۲

از فعالیتهای اکراد در عهد خوارزمشاهیان به خصوص بعد از هجوم مغولان به سرزمینهای ایران تا حد زیادی کاسته شد و در زمان غلبه مغولان و استیلای آنها، اکراد انزوا و پناهندگی به کوهستان را پیش گرفته بودند و از مواجهه با مغولان و ارتباط با آنها حتی الامکان خودداری می کردند. شاید علت اصلی عدم رویارویی اکراد با مغولان وجود جنگهای صلیبی بود که طی آن اکراد ایوبی ضربات شدیدی بر پیکر قدرت نظامی مسیحیان وارد کرده بودند و به علت دوستی مسیحیان با مغولان طبیعی بود که باید از مغولان و ارتباط با آنها پرهیز می کردند.

در جریان هجوم هلاکو به بغداد باز هم مناطق و سرزمینهای کردنشین از تعدیات و تجاوزات آنان مصون نماند و علیرغم تسلیم تاج الدین صلابه حاکم کردستان در سال ۶۵۴ هـ.ق اکراد به مقاومت در برابر آنها پرداخته و حاضر به تسلیم شهرهای خویش به نیروهای هلاکو نشدند و تنها زمانی اینکار صورت گرفت که نیروهای مدافع قتل و عام شده و

۱ - یاسمی، همان ۱۸۱.

۲ - یاسمی، همان ۱۸۱.

مناطق کردنشین بخصوص کرمانشاه تا اربیل غارت و چپاول گردید و یک سال بعد از فتح بغداد در سال ۶۵۷ نیز اکراد حکاری در آذربایجان قتل عام شدند.^۱

بعد از مرگ ابوسعید بهادرخان، کردستان ایران به اولاد امیر اکرنج «اکرش» تعلق گرفت. ولی اولادش از آغاز حکومت تا سال ۷۸۴ ه‍.ق کردستان و عراق عجم را ویران نمودند.^۲

دوره تیموریان نیز دوره درهم کوبیدن اعتراضات و مخالفت‌های اکراد غرب ایران بود. یزدی که به آن مسائل می پردازد اشاره می کند که در سال ۷۹۵ ه‍.ق ابراهیم خان امیر بزرگ کردستان در برابر تیموریان که به آزار مردم آن نواحی پرداخته بودند، تسلیم گردیده و کردستان ایران را از خرابی نجات داد، اما وی ذکر می کند که دو سال بعد در تکریت تیموریان به قتل عام و تجاوز به نوامیس مردم آن سامان پرداخته به طوریکه گروه‌های زیادی از آنها گریخته و به طرف جنوب منطقه مورد سکونت خود کوچ کردند. وی که از کشته شدگان سخن به میان می آورد در این رابطه شعری سروده است:

ز بس کشته کافکند بر کوه و دشت جهان گفت بس کن که از حد گذشت^۳

ولی از آزار و اذیت شدید آق قویونلوها و قراقویونلوها علیه اکراد سخنان زیادی نقل نگردیده و مطالبی نوشته نشده است و تنها بدلیسی، متذکر می گردد که امیر حسین بیگ دست نشانده آق قویونلوها، اکراد چمشگزک را تنبیه و متمرّدین آنها را به هلاکت رسانده است که متأسفانه تاریخ آن را ذکر ننموده و تنها شرح مختصری را ارائه می دهد.

اما در عصر صفوی بود که اکراد به صورت گسترده حضور خویش را در عرصه سیاسی - نظامی نشان دادند که هم عثمانیان سنی مذهب و هم صفویان شیعه مذهب هر

۱ - یاسمی، همان ۱۹۶.

۲ - یاسمی، همان ۱۹۶.

۳ - شرف الدین علی یزدی، ظفرنامه، به اهتمام محمد عباسی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۳۶، صص ۱۸۵ - ۱۸۰.

کدام به صورتی سعی می کردند که آنها را به طرف خود متمایل کنند، زیرا از یک سو مرزهای غربی ایران و شرق عثمانی مسکن اکراد بود و تمایل آنها به هر کدام از این گروهها «دولتها» می توانست برای طرف دیگر خطراتی در پی داشته باشد. و از سویی تبلیغات این دو دولت نیز می توانست از لحاظ مذهبی بر آنها تاثیر گذارد؛ بخصوص آنکه اکثریت اکراد به ویژه در کردستان و شمال غرب ایران سنی و بیشتر شافعی مذهبی بودند و تنها تیره هایی از طوایف اردلان که در این زمان اهمیت چندانی نداشتند شیعه مذهب بودند.

لذا اسماعیل اول (۹۳۰-۹۰۷ هـ ق) برای تسلط بر آنان و سرکوب کردن آشوب ها و از میان برداشتن حکومت های ملوک الطوایفی مناطق کردنشین، سعی در مستقر کردن قزلباشان وفادار خود و جلوگیری از آزار و اذیت مردم آن سامان داشت (۹۲۷ هـ ق) وی مانند آق قویونلوها برای اجرای سیاستهایش روش ملایمی در پیش گرفت.

سیاست عثمانی برعکس سیاست ایرانیان بود، عثمانیها بر آن بودند که با استفاده از اختلافات مذهبی و تحریک اکراد سنی مذهب علیه صفویان، هر چه بیشتر مرزهای آن منطقه را نا امن کرده و موجبات اختلاف میان ایران و عثمانی را فراهم کنند.

آنان در سال ۹۱۹ هـ ق با تحریک شخصی به نام « حکیم ادریس »، وی را به بهانه اختلاف مذهبی علیه اسماعیل اول برانگیختند که این قیام بی نتیجه عده زیادی کشته و خرابیهای فراوانی برای مناطق کردنشین به ارمغان آورد.^۱ هر چند که در اوایل حکومت اسماعیل و رسمی کردن مذهب شیعه اثنی عشری اکراد کردستان به آن رضایت نداده و موجبات از بین رفتن گروههایی از آنها را فراهم کرده بود ولی از آن زمان تا سال ۹۱۹ هـ ق درگیری مخصوصی میان آنان و صفویان روی نداده بود و همچنانکه متذکر شدیم

شورش ۹۱۹ ه‍.ق آنها به رهبری حکیم ادريس نیز توسط سربازان صفوی و حاجی خان رستم بیگ کرد سرکوب شد.

اما سال ۹۲۰ ه‍.ق بعد از نبرد چالدران و شکست قوای صفوی که تصرف تبریز به وسیله سربازان سلیم را به همراه داشت؛ حاجی خان رستم بیگ و چهل تن از سران کرد که با اسماعیل همکاری کرده بودند، اعدام گردیدند.^۱

در این زمان اکراد سیاست ملایم صفویان را با حمایت از آنان پاسخ دادند، حتی خوانین اردلان چون تیمورخان که از سوی سلطان عثمانی منصوب شده بودند طرفدار اسماعیل اول بودند.^۲

بعد از مرگ اسماعیل و به تخت نشستن طهماسب اول (۸۴ - ۹۳۰ ه‍.ق) و جانشینان وی تا زمان شاه عباس اول همین سیاست دنبال گردید. ولی شاه عباس اول بر خلاف سیاستهای قبلی شاهان صفوی این بار تصمیم گرفت اکراد را در مقابل یک عمل انجام شده قرار دهد و علاوه بر آنکه ظاهراً به سیاست تحبیب در برابرشان پرداخت، زمینه های کوچ آنها از مناطق کردنشین و پراکنده نمودن ایشان برای حفظ سایر سرحدات را فراهم کرد که بعداً به آن خواهیم پرداخت.

ولی با سقوط حکومت صفوی ۱۱۳۵ ه‍.ق و تسلط افغانها و سپس قدرت نادر و با دست گرفتن امور مملکت توسط وی، نقش اکراد بیش از پیش نمایان و وارد مرحله جدیدتری گردید و در این دوره بود که خدمات اکراد بر صفحات زرین تاریخ پر افتخار این سرزمین نقش بست.

۱ - امیر شرف الدین بدلیسی، شرفنامه، چاپ دوم، بی تا بی نا، ص ۲۱۶.

۲ - بدلیسی، همان، ص ۲۲۴.